



انترناسیونال

۱۴۶

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه، ۹ تیر ۱۳۸۵، ۳۰ جون ۲۰۰۶

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416

anternasional@yahoo.com

سردبیر: محسن ابراهیمی

ابعاد تازه بحران فلسطین

کاظم نیکخواه



آنها مجازات جمعی مردم نام برده است و از مجامع بین المللی خواسته است که مانع تهاجم اسرائیل و آغاز جنگی تازه در فلسطین شوند. اسرائیل از حماس خواسته است که سرباز به گروگان گرفته شده را فوراً زنده تحویل دهد.



اهود اولمرت نخست وزیر اسرائیل گفته است که برای آزادی این سرباز، اسرائیل دست به هرکاری خواهد زد.

به قدرت رسیدن حماس در فلسطین به بحران فلسطین ابعادی جدید داده است. سازمانی که مسئول ترورها و عملیات انتحاری متعددی در اسرائیل است، اکنون

صفحه ۴

نمایندگان حماس در پارلمان فلسطینی را به گروگان گرفته است. حماس دخالت در این حمله را انکار کرده است و گروهی بنام "شهادی الاقصا" مسئولیت آنرا بعهده گرفته است. ارتش اسرائیل اکنون در کنار نوار غزه در حال آماده باش است و تهدید حمله بالای سر فلسطینیان قرار داده. محمود عباس با محکوم کردن کشتار مردم بی دفاع،

به مناسبت هیجده تیر

میزگرد تلویزیون انترناسیونال با حمید تقوایی و اصغر کریمی

جمعه، از کارگران و زنان و جوانان، یا دیگر اقشار معترض به میدان بیابند و اعتراض و نارضایتی خودشان را اعلام کنند. اعلام کنند که جمهوری اسلامی را نمی خواهند و این حکومت باید برود. در دوره ای که هنوز جناح ها مطرح بودند، برای اپوزیسیون دوم خردادی و خیلی های دیگر همان شعار معروف اصلاحات و تغییرات تدریجی و گام به گام مطرح بود. اما یک ویژگی امسال این است که با روی کار آمدن دولت احمدی نژاد و یک دست شدن حکومت اسلامی زیر پرچم "ولی فقیه" دیگر جایی برای چنین توهما و عوامفریبی هایی باقی

صفحه ۲

همچون سالهای گذشته برای مردم ظرف مناسبی است که اعتراض و نارضایتی عمیقشان را اعلام کنند. هر سال همینطور بود. اولین ۱۸ تیری که اتفاق افتاد در واقع یک



شورش به تمام معنی و وسیعی علیه جمهوری اسلامی بود که پایه های این رژیم را واقعا به لرزه در آورد و از آن به بعد سالگرد ۱۸ تیر تبدیل شد به روزی که بخشهای مختلف

این متن توسط کیوان جاوید برای چاپ در انترناسیونال پیاده شده است. با تشکر از کیوان جاوید. انترناسیونال

شیوا محبوبی: ۱۸ تیر امسال در شرایطی شروع می شود که جمهوری اسلامی مجددا دستگیری ها و بگیر و ببند ها، سنگسار و اعدام را گسترش داده است و از طرف دیگر اعتراضات زیادی هم در جریان است. اعتراضات در دانشگاه ها، زنان و

اعتراضات کارگری و... از جمله اعتراضات مردم هستند. حمید تقوایی، ارزیابی شما در رابطه با ۱۸ تیر امسال چیست؟
حمید تقوایی: ۱۸ تیر امسال هم

جبهه سوم و مردم ایران

شهلا دانشفر



میکشد بلکه سیاست میلیتاریسم آمریکا و نظم نوین جهانی آنرا به بحران و به شکست میکشاند. مبارزاتی که با پیروزی اش نه تنها پاسخی است به رهایی کل جامعه

صفحه ۵

رشد در ایران، مبارزات کارگران، جوانان، زنان، و مبارزات بخش های مختلف جامعه یک ستون مهم آن را تشکیل میدهد. مبارزاتی که مستقیماً رژیم اسلامی ایران، رژیمی که سرکردگی تروریسم اسلامی در سطح دنیا را دارد را هدف گرفته است. مبارزاتی که با پیروزی خود نه تنها جمهوری اسلامی را به زیر

بیانیه جبهه سوم که از سوی حزب کمونیست کارگری ایران فراخوان آن داده شده است، اهداف اساسی و پیش روی این جبهه را بیان میکند. جبهه ای که آلترناتیو بشریت متمدن و آزادیخواه در برابر دو قطب تروریست جهانی، میلیتاریسم دولتی آمریکا و تروریسم اسلامی است. جبهه ای که جنبش اعتراضی رو به

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱ به مناسبت ۱۸ تیر

نمانده و این را هم مردم و هم حکومت می دانند و به نظر من يك دليل هراس حکومت از این وضعیت همین است که می داند ديگر هیچ ابزار توهم پراکنی و عوامفریبی برایش باقی نمانده است. در واقع با شکستی که دوم خرداد خورد و با وضعیتی که حکومت اسلامی امروز پیدا کرده است مردم این ابزار را از دستش در آوردند.

در رابطه با ۱۸ تیر امسال هم مثل مواردی که در این يك سال اخیر داشتیم، حکومت از يك طرف می خواهد مردم را مرعوب کند و بترساند و می گوید سرکوب می کنم، میزمن، می کشم، سنگسارها و اعدام ها را بالا می برد و از طرف ديگر می بینیم که هیچ کدام از این اقدامات باعث نمی شود که جامعه اختناق زده بشود و بترسد و به خانه برود. وقتی می گویم جامعه به این دليل که واقعا جنبش اعتراضی مردم وسیع است. به جنبش کارگری اگر نگاه کنیم می بینیم تعداد اعتصابات و اعتراضات کارگری و مطالبات و شعارها و اعتراض عمیقی که بیان می کنند در همین دوره احمدی نژاد از نظر کمی و کیفی بسیار رشد داشته است. همینطور اعتراضات دانشجویان و زنان که آخرین نمونه اش ۲۲ خرداد بود که گرچه باز با سرکوب و چماق کشی خواهران زینب و غيره روبرو شد ولی با این حال بهیچوجه این باعث نشد زنان آرام بگیرند یا به این شرایط تمکین کنند. یا کارگران به خانه هایشان برگردند و بگویند دستمزدهای عقب افتاده و آزادی تشکل کارگری و حقوقمان را نمی خواهیم. جنبش کارگری را که مشخصا نگاه می کنیم میبینیم که رو در رو و سینه به سینه دارد با شوراها و اسلامی می جنگد، در اعتصابات این پدیده جدیدی است، کارگران اعلام می کنند اینها را نمی خواهیم، اینها تشکلهای ما نیستند و جمهوری اسلامی نماینده ما نیست. کاری که ما امسال در کنفرانس سازمان جهانی کار (آی ال او) کردیم واقعا منعکس کننده و زبان کارگران بود که اعلام می کنند این حکومت را بعنوان حکومت خودشان نمی پذیرند. یا مبارزه ای که زنان علیه حجاب و آپارتاید

جنسی می کنند و مبارزه ای که دانشجویان علیه بیرون راندن مذهب لاقفل از ساختمان اداری دانشگاه ها شروع کردند و می گویند آخوند و مرجع تقلید و شیخ و غيره ربطی به دانشگاه ندارند، دانشگاه جای علم است. این شعار جنبش دانشجویی در حال حاضر است. این مبارزات را که کنار هم قرار می دهید می بینید که ۱۸ تیر روزی است که این مبارزات باید سر بهم بیاورند و در کنار هم قرار بگیرند و علیه این حکومت ضد کارگری، برای آزادی تشکل های کارگری، برای رفاه و علیه فقر، علیه حجاب اجباری، علیه بی حقوقی که به کل جامعه تحمیل شده است و برای جامعه ای سکولار و آزاد و برای رسیدن به يك زندگی مرفه و برای خلاصی فرهنگی که خواست جوانان است، همبسته بشوند و ۱۸ تیر روز ملاقات این بخشهای معترض جامعه با همديگر است که شمره و تبلور همه این خواست ها این است که جمهوری اسلامی باید برود. چون اساس و مانع و ریشه این مسائلی که جامعه را فرا گرفته است برای همه روشن است که مسیبتش جمهوری اسلامی است و همانطور که گفتم ديگر این جناح بدتر است و آن یکی بهتر است وجود ندارد و همه می دانند این رژیم از آخوند و به اصطلاح کراواتی و عمامه ای اش چه کاره است. مردم علیه کل این حکومت هستند و بنابراین ۱۸ تیر امسال می تواند و باید به يك روز اعتراض هر چه گسترده تر زنان و کارگران و دانشجویان و بخشهای ديگر جامعه تبدیل شود.

شیوا محبوبی: شعارهای زیادی است که اگر توجه کنید در اعتراضات بخشهای مختلف جامعه مطرح است که حمید تقوایی به دو موردش یعنی آزادی و برابری و مرگ بر جمهوری اسلامی اشاره کرد. اما وقتی که می گوئیم ۱۸ تیر می تواند نقطه تلاقی برای جمع کردن همه این مبارزات باشد چه شعارهایی می تواند اینها را فرموله کند و بتواند تعداد هرچه بیشتری را حول خود جمع کند؟
اصغر گویمی: شعارهای مختلفی را می توان طرح کرد اما قبل از آن من

می خواهم به نکته ای در ادامه صحبت حمید تقوایی اشاره کنم. روزهای تاریخی را مردم با اعتراض و مبارزه خودشان می سازند و به آن شکل می دهند. اول ماه مه و ۸ مارس و ۱۸ تیر و ۱۶ آذر و حالا هم ۲۲ خرداد روزهایی است که بخشی از جامعه هجوم می آورند به حکومت یا علیه بی عدالتی یا علیه يك جنایت، روزهایی که عموما با خونریزی و سرکوب و کشتار و اذیت و آزار مردم همراه بوده است. يك خاصیتی که این روزها دارند کمک به اتحاد و مبارزه مردم است. بطور مثال ۱۶ آذر یا روز جهانی کارگر و ۸ مارس که فرا می رسد همه میدانند باید کاری صورت بگیرد. حتی اگر کسی فراخوانش را هم ندهد محافل و مراکز و جمع های مختلف به میدان می آیند. ۱۸ تیر هم یکی از آن روزها است که از چند سال پیش دانشجویان و مردم آنرا ساختند و این روز به روز اتحاد مبارزاتی مردم تبدیل شد و همه می دانند که در این روز باید کاری کرد و تحرکی داشت و به فکر طرح شعاری یا اعتراضی بود. تا آنجائی که به این سؤال مشخص شما مربوط می شود، جوهر، عصاره و چکیده همه خواسته هایی که امروز مردم ایران دارند به درجه زیادی در شعار آزادی و برابری فرموله شده است و بسیاری از مطالبات مردم حول مسئله آزادی و برابری و علیه تبعیضات و فقر و بی حقوقی است که در این شعار پاسخ می گیرد و به این معنا شعار آزادی و برابری که جا افتاده و جایش را در قلب مردم باز کرده است، بنظر من کماکان یکی از مهمترین شعارهایی است که این روزهای مهم تاریخی را به هم وصل می کند و به هم پیوند می زند و در عین حال نشانگر به میدان آمدن چپ جامعه در برابر راست جامعه است. نشان دهنده به میدان آمدن نیرویی در مقابل جریانهای اسلامی و قوم پرست و در مقابل تهدیدات نظامی آمریکا است و به این معنی شعار آزادی و برابری در عین حال که مطالبات آزادیخواهانه و برابری طلبانه و اقتصادی و رفاهی و سیاسی مردم را بیان می کند، صف مردم را از صف جریانهای ارتجاعی که يك روز به اسم اسلام و يك روز ديگر با لباس قومیت می خواهند مبارزه مردم را

منحرف کنند و شکاف های کاذب بین مردم ایجاد کنند، جدا میکنند. در اوضاع و احوال کنونی شعار آزادی و برابری از اهمیت بیشتری برخوردار شده است. شعار مرگ بر جمهوری اسلامی یکی ديگر از آن شعارهایی است که تحقق همه مطالبات مردم به آن گره می خورد. اما علاوه بر اینها شعارهای مهم ديگری نیز در جنبش دانشجویی و مبارزات مردم مطرح است و بخش های مختلف مردم را به يك کاری فرامی خواند مثل لغو آپارتاید جنسی و لغو حجاب اجباری. اینها دو شعار مهم ديگر هستند که نه فقط دانشجویان آزادیخواه بلکه کلیه جوانان، زنان و کلا هر کسی که آرزوی آزادی و رفع تبعیض و رفع محرومیت از حقوق زن را دارند، به آن جلب میشوند. شعار آزادی زندانیان سیاسی نیزهمیشه تحت رژیم های سرکوبگر يك شعار محوری است. مبارزه حول این شعار نیز يك موضوع بسیار محوری در مبارزات مردم است. تعداد زیادی از مردم از شهرهای آذربایجان در زندان اند، در دانشگاه ها تعداد زیادی را طی این ماه ها یا دزدیده اند یا زندانی کرده اند و بسیاری بعنوان روزنامه نگار و وب لاگ نویس و فعال سیاسی زندانی شده اند، هزار کارگر واحد را گرفتند و اسانلو همچنان زندانی است، بسیاری از فعالین کارگری دانما احضار می شوند و به این معنا خواست آزادی زندانیان سیاسی يك خواست سراسری است که امروز برای توده وسیع تری از مردم ملموس و قابل درک است و بخشی از اعتراض و هجوم مردم به جمهوری اسلامی را تشکیل می دهد. همینطور مساله مهم ديگری که در سالهای اخیر در جنبش دانشجویی مرسوم شده است یعنی دفاع از کارگران امسال هم باید با صدای بلند اعلام شود. خواست آزادی اسانلو و بازگشت به کار کارگران اخراجی شرکت واحد و به يك معنی دفاع از کارگران واحد در برابر سرکوب آنها يك موضوع مهم در دفاع از طبقه کارگر و پاسخی سیاسی به سرکوب آنها توسط رژیم است. خواستهای مردم و شعارها زیاد است ولی اینها بخشی از آن مطالباتی است که بنظر من هر روز حول آن اعتراض است. روز ۱۸ تیر روز همه مردم است

ولی در عین حال مرکز ثقل آن هنوز محیطهای دانشجویی است. به يك معنا باید گفت متاسفانه، چون انتظار می رود و باید به سمتی برویم که در مراکز و میادین شهرها همه مردم، از کارگر بیکار و کارگری که حقوقش را نمی دهند تا معلم و پرستار و دانشجو این روز را روز خودشان بدانند و به فکر اجتماع کردن و تظاهرات باشند. منتهی حالا مرکز ثقل ۱۸ تیر دانشگاه است و من فکر می کنم مهم است که دانشجویان این مطالبات را به اشکال مختلف به میان مردم ببرند و بخش های مختلف مردم را حول این شعارها به شرکت در ۱۸ تیر فراخوان دهند. این شعارها را باید بطور برجسته بلند کرد تا این اعتراض چهره انسانی خودش را بویژه در تقابل با جریانهای قومپرست و ارتجاعی نشان بدهد. باید این شعارها به گوش افکار عمومی مردم در سراسر دنیا برسد تا همه ببینند که هیجده تیر روزی در دفاع از انسانیت و برابری و بخاطر خواستهای عمیق انسانی است. این شعارها بخشهای مختلف مردم را متحد می کند و به طرف ۱۸ تیر می کشاند، ۱۸ تیر به همه مربوط است و اگر بخواهیم این روز توده ای باشد از همین حالا باید تمام مردم بدانند که قرار است از چه چیزهایی دفاع بشود و چه شعارهایی بالا برود و به این معنا مردم در همه جا سعی کنند با این افق به استقبال ۱۸ تیر بروند.

شیوا محبوبی: این سؤال مشخصا مربوط به ۱۸ تیر نمی شود. اما اگر ناظری که به وقایع ایران نگاه می کند که ممکن است ایرانی هم نباشد، می بیند که سالها است مبارزات مردم ادامه دارد و رژیم هم دارد سرکوب می کند. مخصوصا در سالهای اخیر به همان اندازه که جمهوری اسلامی دستگیر و اعدام کرده اتفاقا اعتراضات هم بیشتر شده است و احساس می شود که سرکوب و مبارزه به موازات هم دارد پیش می رود. می خواهم بپرسم در این پروسه به نظر شما چه عاملی وجود دارد که یکی را به نفع آن ديگری عقب می راند.

حمید تقوایی: موضوع این است همانطور که شما گفتید سالها است

از صفحه ۲ به مناسبت ۱۸ تیر

که اعتراضات مردم ادامه دارد. چیزی که ما از همان موقع اسمش را جنبش سرنگونی گذاشتیم. جنبش عظیمی در ایران وجود دارد که خواسته‌ها و مطالبات متعددی دارد ولی مجموعه این خواسته‌ها را که نگاه می‌کنید و به کل این حرکت توجه می‌کنید می‌بینید که برای تحقق هر خواستش لازم است جمهوری اسلامی برود. مردم و حکومت این را میدانند. مثلاً مسئله به ظاهر کوچکی مثل حجاب و اینکه چقدر موی زنان بیرون باشد موضوع سیاسی است. زنانی که دست به این عمل می‌زنند و جمهوری اسلامی که در مقابلش می‌ایستد می‌داند که در نهایت شیشه عمر جمهوری اسلامی در دست زنانی است که یک روزی بدون حجاب به خیابان می‌آیند. یا کارگرانی که بلند می‌شوند و می‌گویند ما شوراهای اسلامی را نمی‌خواهیم و تشکلهای مستقل خودمان را می‌خواهیم. همه اینها از نظر مردم و هدفی که اعلام می‌کنند جزئی از یک حرکت عظیم سرنگونی طلبی است. این جنبش به پیش رفته است و مدام وسیع تر و رادیکالتر و چپ تر شده است و از طرف دیگر حزبی مثل حزب کمونیست کارگری ایران بیشتر در میان مردم جایش را باز کرده و بیشتر محبوب شده است و ابزارهایی مثل همین تلویزیون که ما داریم با آن کار می‌کنیم و اتفاقاتی مثل حضور فعالین حزب در آی ال او یا در مقابل جمهوری اسلامی در خارج کشور ایستادن و طرد و افشای رژیم که حزب نقش اساسی ای پیدا می‌کند و ما مستقیماً با مردم حرف می‌زنیم. مثل اعتصاب کارگران شرکت واحد که واقعا اتفاق یگانه و بیسابقه ای در جنبش کارگری بود و یک گام به جلو بود و حزب ما هم نقش خودش را بخوبی بازی کرد و بعد از آن کارگران هم در یک سطح دیگری خواسته‌هایشان را مطرح کردند، مبارزه‌شان اشکال جدیدتر پیشرفته تری پیدا کرد. این جنبش به این معنی مدام در حال پیشروی است. اما اینکه چه حلقه ای را باید بدست گرفت، حزب ما در سطح جهانی جبهه سوم را مطرح کرد. یک بند اصلی جبهه سوم که به بحث حالا

مربوط می‌شود این است که دنیا را متوجه کنیم که مردم ایران این حکومت را نمی‌خواهند و کارگران و مردم مترقی و سازمانهای مدافع حقوق زن در دنیا را به حمایت از مبارزات مردم ایران و علیه جمهوری اسلامی فرابخوانیم که همین کار دو مولفه اصلی دارد: ۱- باید سازمانهای هر چه بیشتر و توده مردم شریفی که در دنیا اکثریت عظیم جامعه را تشکیل می‌دهند؛ سازمانهای کارگری؛ سازمانهای مدافع حقوق بشر و سازمانهای سکولار و انساندوست و سازمانهای مدافع حقوق زن باید هر چه بیشتر متوجه بشوند که با همان شعارها و اهدافی که دارند، یک مبارزه زنده و هر روزه در ایران در جریان است و بنابر این باید از آن حمایت کنند. ۲- مولفه دیگر اینکه کاری کنیم مردم دنیا و افکار عمومی بفهمند که مردم ایران جمهوری اسلامی را نمی‌خواهند و بنابر این حکومت نماینده مردم نیست و به این ترتیب در دنیا افشا و طرد بشود و از نهادها و مجامع بین المللی بیرون رانده شود.

دو نمونه اخیر مقابله با جمهوری اسلامی در عرصه بین المللی، افشای نمایندگان اعزامی او در آی ال و شورای حقوق بشر سازمان ملل بود. عملاً آنها را از این مجامع بیرون راندم. طرد جمهوری اسلامی یک حلقه اصلی است و به نظر من مردم ایران کانون این مبارزه اند. زنان و کارگران و جوانان ایران کانون و قلب این حرکت اند. آنها باید بلند بشوند. یک مناسبتی می‌تواند همین ۱۸ تیر باشد. علاوه بر این شعارهایی که اصغر کریمی گفت و اینکه انتظار داریم مردم وسیعاً به خیابان بیایند و روز اعتراض همگانی و متحدانه مردم علیه جمهوری اسلامی است در عین حال روزی باید باشد که مردم ایران خطاب به جهانیان صحبت کنند و بیانیه و قطعنامه و فراخوان بدهند که ۱۸ تیر چه روزی بود و چه سابقه ای دارد. این روزی است که ما به دنیا اعلام می‌کنیم که جمهوری اسلامی حکومت ما نیست و به دنیا اعلام می‌کنیم که نباید جمهوری اسلامی را به رسمیت بشناسند و به دنیا اعلام می‌کنیم

که باید از مبارزات ما حمایت کنند. به نظر من جلب این حمایت و همبستگی بین المللی با توجه به این تکنولوژی و با توجه به نزدیکی عملی که مردم دنیا با هم پیدا کرده اند کاملاً امکانپذیر شده. فراخوان من به فعالین جنبش کارگری و جنبش دانشجویی و فعالین جنبش زنان این است که خطاب به اتحادیه‌های کارگری دنیا و خطاب به سازمانهای جهانی که حتی بعضاً فقط مدعی حقوق بشر هم هستند پیام بدهید. این ادعای نهادهای بین المللی را باید به گردنشان آویخت و بگوئید اگر در ادعایتان صادق هستید باید جمهوری سنگسار و شلاق و اعدام در ایران را محکوم کنید و بگوئید این حکومت کسی را در ایران نمایندگی نمی‌کند. این حرکت وصل کردن مبارزات مردم ایران با مردم دنیا شروع شده است اما جا دارد که بسیار گسترش پیدا کند و به اسم کانون‌ها و نهادهای زنان و کارگران و سندیکاها و نهادهای دانشجویی خطاب به کارگران و دانشجویان و زنان دنیا، حتی خطاب به امثال شخصیت‌هایی که بیانیه "جبهه سوم" را امضا کرده اند، مثل تسلیه نسرين و فرد میوزین که سازمان کارگری بزرگی را در کانادا نمایندگی می‌کند بگویند شما که این بیانیه را امضا کرده اید، بیایید و از ما حمایت کنید. پیام ۱۸ تیر را شما هم به زبان خودتان خطاب به مردم جامعه خودتان فریاد بزنید و از جنبش ما حمایت کنید. بنظر من حالا که حول ۱۸ تیر صحبت می‌کنیم و به مناسبت این روز، مردم باید بعنوان کسانی که این بیانیه مال خودشان است اعلام کنند ما آزادی و رهایی می‌خواهیم و جمهوری اسلامی را نمی‌خواهیم، تعیین حکومت از طرف دولت آمریکا مسئله ما را حل نمی‌کند، ارتش و بمب آمریکا مسئله ما را حل نمیکند و نقطه اتکا و نقطه قدرت مان نه دولت آمریکا و بمب‌ها و موشک‌هایش، که اتحادیه‌های کارگری و سازمانهای طرفدار آزادی زن و اپوزیسیون در خود کشورهای غربی است. مردم باید به این نیرها و سازمانها روکنند و از آنها حمایت بخواهند.

شیوا محبوبی: اشاره کردید که در

۱۸ تیر مرکز ثقل هنوز دانشگاه‌ها هستند/انتظار دارید دانشجویان چه کارکنند؟ و همینطور لطفاً بگوئید قطعنامه داشتن چقدر موثر است؟ اصغر کریمی: از نظر من کار دانشجویان دو رکن بسیار مهم دارد. یک رکنش را که حمید تقوایی اشاره کرد و یک رکن دیگرش هم بسیج بقیه مردم است. انتظار می‌رود جنبش دانشجویی روزهای چون ۱۸ تیر که مرکز توجه جامعه است، خطاب به کارگرانی که بیچاره اند، خطاب به کارگرانی که دستمزد نمی‌گیرند و خطاب به معلمان و کارمندان فراخوان بدهند و اهمیت و خواسته‌های ۱۸ تیر را مطرح کنند و بگویند چطور و در کجا به این حرکت باید پیوست. صدها و هزاران دانشجو باید امروز راه بیفتند و خطوط مطالبات و خواسته‌هایشان را بنویسند و در مراکز مختلف شهرها به دست مردم بدهند. با این نیرو بخش قابل ملاحظه‌ای از مردم از جمله کارگران به حرکت در می‌آیند. آن موتوری که امروز می‌تواند ۱۸ تیر را به حرکت در بیاورد هنوز در دست دانشجویان، در دست دانشجویان کمونیست و پیشرو و آزادیخواه است که نمی‌خواهند فضا در دست تحکیم وحدت و اسلامی‌ها و قوم پرستها باشد. تجمع و اعتراض مردم است. مردم باید جمهوری اسلامی را بیندازند و در نتیجه جمع شدن و گرد آمدن و نیرو بسیج کردن همیشه اساس مسئله است ولی پنجاه درصد هم شکل دادن به افکار مردم است. این اورتی که پخش و تبلیغ میشود و اینکه ما مرتباً آنها را از اینجا منعکس کنیم و از این طریق صدها هزار و میلیونها نفر آن را بشنوند و در جریان فراخوان دانشجویان قرار بگیرند خودش بخش مهمی از هدف را برآورده می‌کند و ۱۸ تیر را بیشتر توده ای میکند. شرط برگزاری تجمعات موفق هم شکل دادن به ذهنیت مردم است، ایجاد فضا در میان مردم است. باید ۱۸ تیر را بیشتر به میان کارگران و جوانان و

محلات فقیر نشین و بقیه مردم محروم برد. این یک رکن مهم مسئله است. اما نکته ای که حمید تقوایی گفت باید ۱۸ تیر به افکار عمومی دنیا هم وصل بشود. جمهوری اسلامی مبارزه مردم را سرکوب میکند و جریانات قوم پرست هم که دولت آمریکا به آنها پول و رسانه میدهد تصویر تحریف شده ای از مبارزات مردم ارائه می‌دهند و می‌خواهند مبارزه مردم ایران را دوباره به خاک و خون بکشند و اینبار لباس قومی به تنش کنند. دانشجویان به این معنا هم وظیفه دارند و واقعا می‌توانند افکار عمومی دنیا را بسیج کنند و بگویند خواست ما نه جنگ است و نه سیاستی که دولت آمریکا و متحدین مرتجعش می‌خواهند پیش ببرند و نه حکومت اسلامی و نه این بی حقوقی و خفقان است. دانشجویان باید خواست مردم ایران را در متن این شرایط نمایندگی کنند و به تمام دنیا بگویند جنبش آزادیخواهی مردم ایران، حسابش از قوم پرستی و جریانات اسلامی و نقشه‌های سیاه و شومی که دولت آمریکا و شرکایش دارند جدا است. جنبش دانشجویی می‌تواند بگوید که من نقش مهمی بازی کردم و فضا را از دست مرتجعین در آوردم. حمید تقوایی در مورد اهمیت این کار توضیح داد. در مقطع حمله به عراق نزدیک به ۴۰ میلیون نفر در دنیا بیرون آمدند و اعتراض کردند، حالا هم دانشجویان می‌توانند نقش فوق العاده محوری در بسیج مردم دنیا علیه جنگ و جمهوری اسلامی داشته باشند که افکار عمومی بین المللی را خط و جهت بدهند و جبهه سوم، جبهه انسانیت در برابر دو قطب تروریستی و ارتجاع را که در سطح بین المللی دارد مورد استقبال واقع می‌شود دانشجویان می‌توانند صدها برابر ابعاد آنرا گسترش بدهند و هر حرکت مترقیانه ای را وصل کنند به این جبهه سوم تا مردم دنیا هم به میدان بیایند و مبارزات مردم ایران را مورد پشتیبانی قرار بدهند. این هم يك وجه مهم ۱۸ تیر است. *

دفتر مرکزی حزب
Tel: 0044-779-1130-707
Fax: 0044-870-135-1338
Email:
markazi@ukonline.co.uk

از صفحه ۱ ابعاد تازه بحران فلسطین

دولت را در دست گرفته است. این رویداد نه فقط محمود عباس و سازمان الفتح و اسرائیل بلکه دولت‌های آمریکا و اروپا را نیز در موقعیت دشواری قرار داده است. سئوالی که در برابر آنها قرار گرفته اینست که آیا از کل پروسه چند ساله ای که بنام پروسه صلح نامیده میشود دست بشویند و یا تلاش کنند با حماس یعنی سازمان تروریستی ای که مورد نفرت همه مردم در غرب است و دشمن شماره یک اسرائیل نامیده میشود، وارد مذاکره و چانه زنی شوند. حماس البته با تناقضات و مشکلات بیشتری مواجه است. این سازمان دیگر یک سازمان زیر زمینی در اپوزیسیون نیست که مسئولیتی در قبال هیچ چیز نداشته باشد. بعنوان دولت باید نقش دیگری ایفا کند که با نقش دوره زیر زمینی بودنش بسیار متفاوت است. وجود دولت خودگردان فلسطینی به توافقات چند جانبه ای میان دولت‌های آمریکا و اسرائیل و اروپاییان منوط و وابسته است. اگر حماس نتواند کاری کند که این توافقات سرجای خویش باقی بماند کل شالوده دولت بطور جدی زیر سوال خواهد رفت. همین الان با قطع کمک‌های نقدی غرب، دولت حماس از پرداخت حقوق کارمندان دولتی ناتوان مانده است و چند ماه است که این کارگران و کارمندان حقوقی نگرفته اند. دولت حماس با اعتراض جدی کارگران و کارمندان دولتی مواجه شده است. از سوی دیگر رئیس دولت خودگردان محمود عباس است که در راس الفتح یعنی یک جناح قدرتمند در فلسطین قرار دارد. اگر حماس نتواند با الفتح و محمود عباس کنار بیاید از یک سو جنگ داخلی ای که عملاً بطور پراکنده شروع شده ابعادی گسترده به خود خواهد گرفت و از سوی دیگر حماس و کل نیروهایش از حفاظ دیپلماتیک محروم خواهند شد و در برابر اسرائیل بسیار ضربه پذیر خواهند بود. کشورهای عربی هم گسترش دامنه بحران فلسطین را به نفع خود ارزیابی نمیکنند و در نتیجه دل خوشی از روی کار آمدن حماس ندارند و تلاش میکنند که با زیر فشار قرار دادن رهبران این سازمان آنها را به موضع سازش

نزدیک کنند. مشکل جدی تر حماس اینست که میدانند که با تغییر مواضعش دچار بحران و شکاف درونی خواهد شد و بسیاری از نیروهای تندرویش را از دست خواهد داد. اینها و بسیاری مسائل دیگر گویای مشکلات جدی سازمان حماس است که باعث میشود جناح رقیب با وجود قرار گرفتن در موضع اقلیت خود را قدرتمند تر از حماس احساس کند.



طرح "آشتی ملی"

در این میان یک رویداد تازه دیگر به کمک محمود عباس و الفتح آمده است. گروهی از زندانیان سرشناس فلسطینی که در زندانهای اسرائیل بسر میبرند، طرحی ۱۸ ماده ای بنام "طرح آشتی ملی" تهیه کرده اند که تشکیل دولت مستقل فلسطینی در پشت مرزهای سال ۶۷ را مورد تاکید قرار میدهد. مروان بروجوتی دبیر کل جنبش الفتح که از نفوذ زیادی در میان فلسطینیان برخوردار است یکی از امضا کنندگان این طرح است. بعلاوه "عبدالهالك نتشه" یکی از اعضای با نفوذ حماس نیز به همراه شمار دیگری از زندانیان فلسطینی طرح را امضا کرده است. محمود عباس فوراً این طرح را مورد تایید قرار داد و اعلام کرد که این طرح را به فرماندوم میگذارد. حماس با فرماندوم برای این طرح که به طرح زندانیان سیاسی معروف شده مخالفت کرده است. این مخالفت از آنروست که این طرح بطور تلویحی شناسائی موجودیت

اسرائیل را در خود دارد و این با برنامه پایه ای حماس مغایرت دارد. بنظر میرسد که این طرح در فرماندوم از رای بالایی برخوردار شود و عملاً به معنای شکستی برای حماس خواهد بود. مخالفت حماس با فرماندوم کار این سازمان را مشکل تر کرده است. اگر مخالفت حماس به معنای این باشد که حماس بخواند از فرماندوم جلوگیری کند، این به معنای شروع یک جنگ و کشاکش و بحران با ابعادی گسترده در فلسطین خواهد بود که حماس علیرغم

همه محتمل تر میدانند و میگویند حماس میتواند با این ترتیب هم بر موضع خود پافشاری کرده باشد و هم عقب نشینی از موضعش را به حساب تمکین به رای مردم بگذارد. اما در آن صورت هم حماس در میان مدت برنده چنین شرایطی نخواهد بود. زیرا در مناسبات دیپلماتیک به دلیل پیشینه تروریستی خود از موقعیت مطلوبی برخوردار نیست. محمود عباس برای فرماندوم گذاشتن این طرح ده روز به حماس فرصت داده بود که تصمیم خود را بگیرد. اکنون او سه روز دیگر این فرصت را تمدید کرده است. در سایه این وضعیت است که میتوان به دلایل شروع دور تازه ای از درگیریهای نظامی میان اسرائیل و فلسطینیان پی برد. بنظر میرسد سازمان حماس برای خلاص کردن خود از کل این معادلات میخواهد اوضاع را به فضای نظامی

بکشاند و از این طریق مانع فرماندوم و فشارهای دیپلماتیک شود. اما از این نظر نیز موقعیت امروز حماس با قبل از به دولت رسیدنش متفاوت است. حماس اکنون به عنوان دولت بیش از پیش در مقابل اسرائیل ضربه پذیر است و اگر فضای نظامی به جنگی جدی گسترش یابد اسرائیل میتواند ضربات سنگینی به آن وارد کند. دولت اسرائیل با اولین حمله موشکی فلسطینیان در هفته گذشته به خاک اسرائیل، حالت جنگی به خود گرفت و در واقع از این حمله استقبال کرد. حملات اسرائیل به مردم بی دفاع عملاً این کشاکش نظامی را به یک خصومت جدی تر تبدیل کرد که بسادگی قابل رفع و رجوع کردن نیست.

به عبارت دیگر هم حماس و هم جناح راست در دولت اسرائیل متمایل به نظامی شدن و نظامی ماندن اوضاع هستند و این وضعیت را به نفع خود ارزیابی میکنند.

کانون تناقضات

فلسطین در واقع کانون و سمبل

تناقضات و رقابتهای دولتها و نیروهای سرمایه داری در دوره کنونیست. این منطقه به کلاف سردرگمی تبدیل شده که مصالح و منافع دهها دولت و کارتل سرمایه داری و جریانهای سیاسی در آن دخیل است. آنچه در خود فلسطین و اسرائیل میگذرد گویای تمام مسائل و پیچیدگیها نیست. تنها شاخصی بر لاینحل بودن آنست. چندین سال است که طرحهای مختلف صلح امیدهای واهی ای را در میان مردم جهان ایجاد کرده است اما در پس تمام آنها جنگ و کشتار تازه ای به جریان افتاده و هزاران تن از مردم بی دفاع فلسطین و اسرائیل که هیچ منفعی از این جنگ ندارند به نحوی وحشیانه قربانی شده اند. طرفین جنگ در فلسطین و اسرائیل آشکارا به جنگ مردم میروند. آشکارا کشتار مردم را هدف نظامی خود قرار داده اند. یکی با عملیات انتحاری در مدرسه و اتوبوس و خیابان کودک و مرد و زن و پیرو جوان را تکه تکه میکند و پس از هر کشتاری جشن پیروزی میگیرد. و دیگری مردم را در میان خانه های محقرشان زیر آوار مدفون میکند و با شمردن اجساد مردم شادی میکند. در پس این کشتار یک دمل چرکین و سرطانی خطرناکتر رشد کرده است و آنهم نفرت قومی و مذهبی است. نیروهای فاشیستی و ضد بشری مردم را کشتار میکنند و با دامنه زدن به نفرت قومی و مذهبی برای ماشین کشتار خود تاملین نیرو میکنند. این دمل کهنه جنگ و جنایت و ارتجاع را فقط مردم شریف جهان و نیروهایی که علیه قومیت و مذهب و ارتجاع و استثمارند میتوانند بخشکانند. نیروهای اصلی درگیر در بحران فلسطین یعنی اسلام سیاسی که بیش از همه از جمهوری اسلامی و دولتهای مرتجع عربی تغذیه میشود و میلیتاریسم و فاشیسم قومی و مذهبی در اسرائیل که آشخور و نقطه اتکاء اصلی آن دولت آمریکاست از تمام امکانات و توان خود استفاده میکنند تا مانع دخالتگری مردم شوند. برای حل قطعی بحران فلسطین راه دیگری جز عقب راندن جدی دولتهای مرتجع درگیر در این منطقه نیست. این راه ساده و کوتاهی نیست اما چاره ای جز پیمودن آن وجود ندارد.*

از صفحه ۱ جبهه سوم و مردم ایران

ایران از چنگ رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی بلکه نقشی جهانی و منطقه ای دارد در برابر میلپتاریسم آمریکا. از اینرو امروز ایران به مرکز ثقل در سطحی جهانی تبدیل شده است و نگاه جامعه جهانی به سوی آن متمرکز شده است. در چنین اوضاعی نقش انسانهای کمونیست و آزادیخواه، در توجه دادن کل جامعه به شرایط خطیری که در آن قرار داریم و در پیوستن و تقویت جبهه سوم تاریخی است. باید این نقش تاریخی را دریافت.

فراخوان جبهه سوم در سطح جهانی به انسانهای آزادیخواه و بشریت متممکن است. اما بطور واقعی مردم ایران به عنوان یک ستون اصلی این جبهه جایگاه ویژه ای دارند. امروز ما نه تنها باید شاهد موج گسترده پیوستن مردم از بخش های مختلف جامعه به این جبهه باشیم، بلکه مردم ایران باید خود در مقام فراخوان دهند در صف جلوی این جبهه قرار بگیرند و برای تحقق خواستهایی که در بیانیه این جبهه طرح شده است تلاش کنند. از اینرو کارگران، زنان، دانشجویان و همه بخش های جامعه باید با نامه های خود ضمن اعلام حمایت از جبهه سوم و اعلام حمایت از خواستهایی که در بیانیه آن طرح شده است و پیوستن به آن، دنیا را به حمایت از این بیانیه و پیوستن و حمایت از مبارزات برحق خود فرا بخوانند. مردم ایران بویژه کارگران که امروز در صف جلوی اعتراضات موجود در جامعه قرار دارند باید بیش از پیش جایگاه خود را در این جبهه باز یابند.

در اول مه بود که کارگران با شعار نه جنگ نه بمب اشتغال اشتغال و نیز شعار آزادی برابری حق مسلم ماست، در واقع پیام خود را به گوش دنیا رساندند. امروز نیز با فرا

حقوق بشر سازمان ملل سخن بگویند و او را مورد پیگرد خود قرار دادیم و خواهان دستگیری و محاکمه او در دادگاههای بین المللی شدیم، امروز کارگران و همه مردم در ایران نیز باید با نامه های اعتراضی خود به سازمانهای جهانی به شرکت سران جنایتکار رژیم در مراجع بین المللی شکایت کنند و از سازمانهای جهانی بخواهند که از این خواست برحق و انسانی آنها حمایت و پشتیبانی کنند.

امروز ما در شرایط خطیر و تاریخی قرار داریم. همانطور که اشاره کردم توجه دنیا به ما معطوف است. مبارزات مردم ایران نقشی محوری در جبهه سوم بعنوان آلترناتیو بشریت متممکن در برابر دو قطب تروریست جهانی، میلپتاریسم آمریکا و رژیم اسلامی که خود ستون فقرات تروریسم اسلامی است، دارد. فعالین کمونیست و آزادیخواه در تمامی عرصه های مبارزه نقشی کلیدی در شکل دادن و تقویت این جبهه دارند. امروز بیش از هر وقت ضرورت دارد و شرایط عملی وجود دارد تا متشکل شویم و حول خواسته های سراسری گرد بیاییم و حلقه مبارزاتمان را علیه این رژیم جنایتکار تنگتر کنیم. امروز باید رساتر از هر وقت شعار زندانی سیاسی آزاد باید گردد، زنده باد آزادی زنده باد برابری و مرگ بر جمهوری اسلامی را سر داد و با شعار نه جنگ نه انرژی هسته آزادی برابری، پرچم جبهه سوم را برافراشت. امروز باید به جنب و جوش برای پیوستن و جلب حمایت و توجه جهانی به جبهه سوم و جلب وسیعترین حمایت های بین المللی از مبارزاتمان وسیعاً تلاش کنیم. در هر کجا که هستیم در کارخانه و در مدرسه و در دانشگاه در مورد جبهه سوم و اهداف آن سخن بگوییم و از مردم در همه جا بخواهیم که به آن پیوندند. و با نامه های خود خطاب به مردم انساندوست در سطح بین المللی دنیا را به حرکت در آوریم و بخواهیم که به ما پیوندند.

۱۸ تیر فرصتی است مناسب برای ابراز وجود ما بعنوان پرچمداران مبارزه برای آزادی و برابری. هجده تیر وسیعاً به خیابانها بیاییم و با شعار هایمان صدای جبهه بشریت متممکن را هر چه رساتر به گوش جهان برسانیم. ❖

مراسم یادبود منصور حکمت



منصور حکمت شورسین و متفکر مارکسیست و لیدر کمونیسم کارگری در تاریخ ۴ ژوئیه ۲۰۰۲ درگذشت. ما هر سال در سالگرد مرگ او در گورستان های گیت گرد میائیم تا یاد این انسان بزرگ را در کنار هم گرامی بداریم. از تمام علاقمندان دعوت میکنم که روز شنبه اول ژوئیه ساعت ۱ بعد از ظهر در گورستان های گیت به جمع دوستداران منصور حکمت پیوندند.

آذر ماجدی
۲۵ مه ۲۰۰۶

گرامیداشت منصور حکمت برجسته ترین متفکر مارکسیست تاریخ معاصر

برنامه شامل:

سخنرانی، پخش اسلاید، موسیقی و فیلم

سخنرانان:

حمید تقوایی: لیدر حزب کمونیست کارگری ایران
عصام شکری: لیدر حزب کمونیست کارگری چپ عراق
جان کلارک: لیدر سازمان ائتلاف علیه فقر (OCAP)

زمان: جمعه ۷ ژوئیه ۲۰۰۶ ساعت ۳:۰۰ بعد از ظهر
مکان: شماره ۵۱۲ خیابان یانگ، نورث یورک سنتر،
محل سالن: طبقه دوم کتابخانه مرکزی نورث یورک سیوک سنتر

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران - شرق کانادا

حزب کمونیست کارگری چپ عراق - واحد کانادا

تلفن: ۹۶۰۰-۳۵۸-۴۱۶

تلویزیون انترناسیونال

هر شب ساعت ۹:۳۰ تا ۱۱:۳۰ به وقت تهران

مشخصات فنی آنتن

Satellite: Telstar 12
Frequency: 11494
Symbol Rate: 17469
FEC: 3/4
Vertical

چهار هفته از شروع کمپین حزب برای جمع آوری ۵۰۰ هزار دلار میگذرد. در چهار هفته گذشته جمعا ۲۵۱۷۰۰ دلار از ایران و سایر کشورها به حساب های حزب واریز شده و یا تعهد داده شده است. حداقل ۲۴۸۳۰۰ دلار دیگر ظرف دو هفته آینده باید جمع آوری شود.

۲۹ جون ۲۰۰۶

لیست شماره ۴

مدافعین آزادی و رفاه و سعادت انسانها است. حزب باید فعالیت های خود را گسترش دهد و به رسانه های بیشتری مجهز شود تا صدای خود را گسترده تر به گوش مردم برساند و این در گرو بهبود وضعیت مالی حزب است. با تمام توان خود به یاری حزبتان بشتابید.

از کلیه دوستان عزیز که تاکنون به قدردانی میکنیم. این کمپین کمک کرده اند، صمیمانه این حزب کارگران، حزب استعمار شونندگان، حزب سکولارها، حزب مدافعین برابری زن و مرد، حزب

در پاسخ به فراخوان مالی حزب با تمام توان به یاری حزبتان بشتابید

تلفن تماس و شماره حسابهای کمک مالی:

کمک های خود را میتوانید به این حسابها واریز کنید و یا از طریق تماس با واحدها و مسئولین حزب در کشورهای مختلف تماس بگیرید و راهنمایی بخواهید.

شماره حساب ها:

انگلیسی:

Account nr: 45477981
Sort code: 60-24-23
Account holder: WPI
Branch: wood green
Bank: Nat West

سوئد:

پست جیرو 3-60 60 639
صاحب حساب IKK

آلمان:

Dariush safa
Konto Nr:894922303
Kredit Institut
Post bank Hannover
BLZ:25010030

کانادا:

TD Canada Trust
A. Mikanik
transit#1672
Institution#504
Acc#6235975

اگر از ایران ارسال میکنید میتوانید از طریق دوستانتان در خارج به حساب های فوق واریز کنید، و یا با شماره تلفن

۰۰۴۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸

تماس بگیرید تا راه های دیگر را به شما معرفی کنیم.

تقاضا میکنیم در همه موارد میزان و مشخصات مبلغ واریز شده و اسمی که باید اعلام شود را به ما اطلاع دهید.

سوئد:	آمریکا:	کرون	شیرین بهرامی
۱۰۰۰ دلار	حسین آرزین از شیکاگو	۴۰۰	پری رشیدی
		۵۰۰	از طریق فریده و شیرین
		۷۰۰	از طریق تشکیلات حزب در مالمو
۷۵ دلار	فریدون البرز	۲۰۰۰	جمیل فرزبان
۲۰۰	جمشید هادیان	۵۰۰۰	توسط افسانه و پریرسا
۵۰	فاتح بهرامی	۱۰۰۰	صادق زندی
۸۰	محمد کاظمی	۲۰۰	آرام ودیا
۱۲۰	محسن ابراهیمی	۱۰۰۰	حمید حق شناس
۸۹	از طریق لاله مشیری و سوسن احمدی	۱۱۰۰	مونا استکهلم
۱۳۵۳	واحد حزب در تورنتو	۱۰۰۰	سیما بهاری
۱۰۰۰	زمانه پرتوی	۱۵۰۰۰	بابک شدیدی و الهام بهزادمنش
۵۰۰	یدی محمودی	۵۰۰	دنیس آزاد
	علاوه بر این جمعا مبلغ ۲۳۹۰۰ دلار دیگر نیز به شرح زیر تعهد داده شده است:	۲۰۰۰	کریم آذرنوش
		۱۵۰۰	اکبر
		۱۰۰	فریده ل
		۱۰۰	یداله احمدی
		۵۰۰	مجید حمیدیان
		۵۰۰	بهرام جهانبخش
		۳۰۰	پری
		۸۰۰۰۰	آذر پویا
		۱۰۰۰	شاهو پیرخضریان
			فنلاند:
		۱۰۰۰ یورو	امیر توکلی
			ایران:
		۳۵۰۰ کرون	آزاده از طریق سیما بهاری
		۵۰۰ دلار	ز- محمد
		۱۰۰۰۰۰ تومان	ام زد
		۱۰۰۰۰۰	اچ اس اچ
		۲۰۰۰۰۰	رامین امین
		۱۰۰۰۰۰	محمود بینا
			آلمان:
		۱۳۰ یورو	کمپته برمن
		۲۰۰	حسن آقاییاری
		۳۰۰	شکر فیضی
		۱۰۰	رامین تقی پور
		۱۰۰	علی بصیری
			انگلیس:
		۱۵۰ پوند	رضا مرادی
		۲۵۰۰ پوند	سینا پدرام
			غرب کانادا:
		۱۰۰۰ دلار	صابر آزاد
			آلمان:
		۴۶۰۰ یورو	کمپته برمن
		۷۵۰۰	کریم شاه محمدی
		۱۲۰۰۰	گیتی آغاچانی و غلام اکبری
		۶۰۰۰	هرمز رها و سارا نخعی
		۱۰۰۰۰	سیامک بهاری
		۱۰۰۰۰	رزگار روشن و آناهیتا ناصر
		۲۰۰۰۰	سوسن صابری و منصور فرزند
		۲۰۰۰	محمد داوودی
			سوئد:
		۷۵۰۰ کرون	خلیل کیوان
		۷۵۰۰	کریم شاه محمدی
		۱۲۰۰۰	گیتی آغاچانی و غلام اکبری
		۶۰۰۰	هرمز رها و سارا نخعی
		۱۰۰۰۰	سیامک بهاری
		۱۰۰۰۰	رزگار روشن و آناهیتا ناصر
		۲۰۰۰۰	سوسن صابری و منصور فرزند
		۲۰۰۰	محمد داوودی
			فنلاند:
		۲۳۹۰۰ دلار	جمع پرداختی لیست ۴
		۱۸۳۰۰	تعهدات جدید
		۷۰۸۸۰	لیست شماره ۱
		۴۳۶۰۰	لیست شماره ۲
		۳۵۰۲۰	جمع لیست شماره ۳
		۶۰۰۰۰	تعهدات لیست ۳
			آلمان:
		۲۳۹۰۰ دلار	جمع تعهدات و کمکهای تاکنونی

مرگ بر جمهوری اسلامی!

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!